

کوزه-هایی که دروغ تراوش می‌کنند

اگر دستکم کسانی، که حکومت اسلامی را نمی‌پذیرند، دروغ‌های آخوندها را ستایش نمی‌کردند؛ مردم ایران اندکی به آزادی نزدیک می‌شدند. ولی از شوربختی همین روشنفکران، پیشاپیش و تازه به تازه، گفتار آخوندها را در زربگ می‌پیچند و آنها را به نام "راستی و درستی" نشان می‌گذارند.

پژوهش در زاویه‌ی دیدگاه یک آخوند چندان دشوار نیست؛ اگر ما نخست زمینه‌ی نگرش او را شناسایی کنیم. یک آخوند، به جهان هستی، بر زمینه‌ی خلقت، به اراده‌ی الله، می‌نگرد. در این دیدگاه انسان بنده و محکوم به اطاعت از اوامر الله است. در پهنای زاویه‌ی این دیدگاه، به جز بردگی‌ی انسان و پندارهای آمیخته به دروغ، چیز دیگری دیده نمی‌شود. یک آخوند یا، پذیرفته است که او، مخلوقی نابخرد است و نیاز به اوامر الهی دارد؛ یا به دروغ آن را به این گونه بازگو می‌کند. همه‌ی شاخه و برگ‌ها، کتاب‌ها و گفتارهای اسلامی، از همین دیدگاه برداشت شده‌اند.

از اسطوره‌ی آدم و حوا، جن و روح، انبیا و احکام اسلامی تا داستان‌هایی که برای علی، حسین و رضا بافته‌اند. حتا داستان فرزند امامی که، هیچ یک از زنانش آبستن نشدند، پس از مرگش برای او فرزندی خلق کرده و سپس غیب کرده‌اند. همه و همه‌ی این تصورات را، از حکایت‌های پیشین مردم در دیده‌اند و، بر زمینه‌ی نگرش خلقت در اسلام، برای سوختن خرد انسان بازگو کرده‌اند.

این داستان‌ها، که پندارهای پیشینیان و بافته‌های دروغ اسلام سازان هستند، تار و پود عقل، علم، حکمت، معرفت، منطق و فلسفه-ی یک آخوند را می‌سازند. مهم این نیست که خود یک آخوند تا چه اندازه در مرداب دروغ فرو رفته است بلکه مهم این است که پیشه‌ی او عقلی کردن و فروختن این دروغ‌ها و بافتن و ساختن دروغ‌های تازه‌ای است. اسلام‌فروشی که، بدون فریبکاری، در پیرامون عقیده‌ی اسلامی، حتا یک سخن راست بگوید، با همین سخن، بخش‌های پیوسته به دروغ، که هستی‌ی او را ساختار شده‌اند، از هم می‌پاشند. این مانند بندی است که سدها مداد را به هم پیوسته داشته است. اگر گره آن بند باز شود انبوه مدادها به هم می‌ریزند.

برخی ادعا دارند، که می‌تواند (در برخورد به اسلام) اسلام‌فروشی راستکار یا راستگو وجود داشته باشد، این کسان خود، از دیدگاه آخوندی به جهان هستی می‌نگرند، آنها نمی‌توانند دروغ را شناسایی کنند.

برای نمونه:
الله در قرآنش، "روح" را رازی ناگشودنی می‌خواند، به رسول الله امر می‌کند: از تو در مورد "روح" می‌پرسند. این رازی است که الله بر آن آگاه است، کسانی که در جستجوی این راز بکوشند گمراه خواهند شد.
با این وجود آخوندها خود را "روحانی" نامیده‌اند در جایی که محمد خودش را جسمانی می‌دانسته است. یا این که محمد هر پدیده-ای را آیت الله (نشانه‌ی الله) می‌داند، چرا آخوندی می‌پذیرد او را آیت الله بنامند.

یعنی آخوندها حتا نام و ویژگی‌هایی خود را هم، از چشمه‌ی دروغ در دیده، به دروغ به خود بسته‌اند. آیت الله بودن یا آیت الله شدن نشان برتری نیست. زیرا ویروس ایدز، میکرب وبا، ویروس آنفولانزا، پشه‌ی مالاریا، سرطان روده، کرم کدو همه آیات الله و همه عظاما هستند.

البته برای بشریت، ویروس ایدز خیلی کمتر از یک آیت الله زیان بخش است.
به هر روی آخوند، یک پیشه‌ور است که کالای اسلام می‌فروشد، او از هستی و فروش این کالا زندگی می‌کند. پشم و رنگ و تار و پود این کالا از دروغ ساختار دارند، پس افکار، گفتار و کردار یک آخوند تنها در کارخانه‌ی دروغ سازی‌ی اسلام و برای فروش این کالا است. (اسلامفروش = آخوند است و به عمامه بستگی ندارد).

برخی شاخ‌های آشکار دروغ‌های خود را در واژه‌ی "راستین" پنهان می‌کنند. این کسان برآنند که شک و رازان را بفریبند تا آنها هر آگاهی را، که در پیرامون اسلام می‌شناسند، که خود می‌بینند و می‌دانند، دروغ بشمارند و تنها دروغ‌های اسلام‌فروشان را به نام "راستین" بپذیرند. خیانتی که این اسلام‌فروشان به فرهنگ ایران کرده و می‌کنند بشمار است. حتا آنها درون مایه‌ی واژه‌ی "راستین" را هم به دروغ آلوده کرده‌اند.

سخن از شناخت ساختار زمینه‌ای است، که نگرش آخوند، تنها، در آن زمینه می‌گردد. شناسایی این زمینه از نیازهای فرهنگی است که برای جامعه‌ی ما بسیار پُر ارزش است. زیرا نگرش مردم ایران آن چنان به زهر دروغ آلوده شده است که آنها توان شناسایی راستی را ندارند. ولی آزادی و حقوق بشر تنها در در بینش راست‌منشان در خور شناسایی است.

برای روشن شدن زمینه‌ی دروغ در دیدگاه اسلام‌فروشان، گفتارهای دو آخوند را، که سخت نگران اسلام عزیز و انسان ستیز هستند، بررسی می‌کنیم. هر دو آخوند، با دروغ‌های بافته شده‌ی خود، مردم را برای پشتیبانی و نجات اسلام می‌فریبند. هر دوی آنها شورش ۵۷ و اسلام را سر آغاز آزادی و پیشرفت مردم ایران می‌شمارند.
(این گفتارها به همان گونه که در اینترنت بروز شده‌اند در پایان این جستار درج می‌شوند.)

۱ - بررسی‌ی گفتار خامنه‌ای در کوی دانشگاه:

سخنان خامنه‌ای با دانشجویان آن چنان است که گویی او کودکان ناآرامی را می‌ترساند.

چکیده-ی گفتار او را می توان بدین گونه بازگو کرد: شما دانشجویان مسلمان و در نتیجه خوب و پشتیبان حکومت اسلامی هستید. کوشش کنید که از درستان بازمانید و بتوانید بیشتر از اسلام عزیز پشتیبانی کنید تا جهانیان بدانند که شما بچه-های با ایمانی هستید و اسلام دانش پرور است. در مورد این که برخی بسیجی-ها، که نافرمانی کرده-اند و شما را کتک زده-اند، من خودم همشان را تنبیه می کنم.

البته در زندان کهریزک هم خلاف کاری شده است و چندتایی هم جان باخته-اند. ولی شما هیچ اندیشه-ای نکنید زیرا من گفتم که جداگانه به این جریانات رسیدگی بشود. اگر هم کسی خلافی کرده باشد گفتم که مجازاتش کنند.

<< همه مراقبت کنند در این " مسائل سیاسی کوچک و حقیر"، کار علمی دانشگاهها و کلاسها و مراکز تحقیقاتی دچار آسیب نشود و هدف آشکار و مشخص دشمن برای اینکه حداقل مدتی دانشگاهها را به تعطیلی و تشنج و اختلال بکشاند محقق نگردد. >> به زبان آدمی یعنی: اگر شما برای افشای جنایات حکومت کاری بکنید می گویم که دانشگاهها را ببندند. البته این آخوند کوله-بین، جلوی همان دانشجویان بی شرمانه، از جنایات پلیس و بسیجی-ها، برای سرکوب آزادیخواهان، ستایش می کند.

به دانشجویان و عده می دهد که در آینده به جنایات گماشتگان، که شاید خلافتکاری کرده باشند، رسیدگی خواهد شد. ولی اکنون باید آبروی اسلام، که خدشه برداشته است، بهبود پذیرد و نخست به کردار کسانی رسیدگی کرد که این مردم را به خیابانها کشانده-اند. به زبان آدمی یعنی: نخست هر آوایی را، که ورای خواسته-ی ما بلند شده است، باید در گلوی فریادکننده خفه کنیم که دیگر کسی، از ترس مجازاتهای ما، دهان باز نکند.

از آن جا که پول-هایی، که به نام مجتبی خامنه-ای، از بند بانکهای انگلیس آزاد شده-اند. اینک این آخوند به شرکت و جاسوسی-ی هماندیشان و همیاران انگلیسی خود، در این جنبش، شک می ورزد.

هیچ کس نمی داند که شماری بی گناه بازداشت و شکنجه می شوند تا به زور پول-های دزدانی را از چنگ دزدانی دیگر آزاد کنند. برای این که یک کس از، گماشتگان، حکومت اسلامی، از سوی پلیس فرانسه بازداشت شده است. حکومت اسلامی، برای آزادی ساختن این گماشته، شماری را به جرم جاسوسی-ی فرانسه به زندان می اندازد و زندگانی انسانهایی را تباه می سازد تا گماشته-ی خود را آزاد کند.

البته این درست مانند مجازاتی است که در اسلام حتما برای قتل امر شده است. آخوند بهتر می داند که چگونه از این اوامر الهی سود ببرد. آخوندها همه-ی کشورها را مانند " طایفه و قبیله" می پندارند. زیرا میدان فکر یک فقیه فراتر از این نمی رود.

سوره ی البقره، آیه ی ۱۷۸:

ای کسانی که ایمان آورده اید، برای شما مجازات قتل چنین نوشته شده است: آزاد را به جای آزاد، برده را به جای برده، زن را به جای زن (بکشید)، و چنانچه برادر مقتول از مجازات قاتل در گذرد، او را مورد احسان قرار دهید (به او پول بپردازید)، و این تخفیف رحمتی است برای سروران شما و هر کس از این موازین تجاوز کند برای او عذابی هولناک خواهد بود.

۱ - حکایت:

امیری عابد در بلاد خامنه حاکم شده بود. روزی بر خری چموش نشست، خراج هزارساله را در خورجین نهاده، به قصد پرداخت باج، به دیار اجدادش در راه بود. بر نوار رونکی* -ی آن کوسه خر نوشته بود:

<< در خربت برابریم؛ مطیع امر رهبریم >>.

لگمدارش که غلامی کودن، از نژاد خشمآوران، بود. از او پرسید: یا امیرالمومنین، خربت که از پیشانی خودت هم خوانده می شود، پس بر رونکی-ی این خر چرا بنویسی؟ امیر گفت: ای غازی نژاد، رهنان از پس من آیند، پیشانی-ی مرا نخوانند.

هر که بر کوسه-ای سوار نشست << >> او بلند است و پیروانند پست او که از رهنان بلندی یافت << >> بد نژادی لگمدارش هست

لگمدار، بر رکاب امیر بوسه زد، او را سجده برد و پرسید: مولای من، آیا آبروی تو از "سواری" بر این مرکب است یا آبروی این مرکب از "سواری دادن" به تو ست؟ امیر گفت:

پدیده-ی "آبرور" در عقل غلامی کودن ننگجد؛ "آبرو" از درون این خورجین برآید نه از ترکیب دو "بی آبرو". (* رونکی (رانکی): بندی است که، از زیر دم و بالای ران خر می گذرد، دو پهلوی پالان را به هم پیوسته می دارد.

۲ - بررسی-ی گفتار آیت الله منتظری در پاسخ باورمندانش:

منتظری هم مانند خامنه-ای نگران خدشه دار شدن، نظام حکومت اسلامی، در بین توده ها و در سطح جهانی است. بیشتر ترس او از آن است که مبدا این حکومت سرنگون بشود.

او با همه-ی سادگی که از خود نشان داده است به دروغ می گوید:

<< دین اسلام، دین کامل الهی است و در آن آزادی عقیده و بیان چنان روشن و واضح است که قرآن کریم در مورد اصل پذیرش دین می فرماید: (لا اکراه فی الدین) یعنی زور و اجباری در پذیرش دین نیست؛ و باید پذیرفتن اصول دین با استدلال و برهان باشد.>>

او، برای دروغ‌گویی، نیمی از آیه را می گوید و نیم دیگر را پنهان می دارد. همین نیم آیه را هم به دروغ ترجمه می‌کند. زیرا در (لا اکراه فی الدین) سخن از پذیرفتن "اصول دین" با استدلال و برهان نیامده است. او به دروغ ادعا دارد که: "الا اکراه فی الدین" به مفهومی که هر کس آزاد است اسلام را بپذیرد یا رد کند. ولی در سوره البقره، این آیه ۲۵۶ چنین می گوید:

<< در دین اکراهی نیست؛ زیرا که راه از بیراهه به روشنی آشکار شده است. >>

به درستی از آیات دیگر، در قرآن، آشکار می شود که هر مسلمان باید، یعنی مجبور است، اسلام را به آنگونه که امر شده است بپذیرد و "در ایمان او نباید هیچ اکراهی وجود داشته باشد". اگر در ایمان کسی اکراهی باشد او کافر است و مجازات می‌شود.

سوره ۴، النساء،

آیه ۱۴: و آن کس که از او امر الله و رسولش سرپیچی کند و از احکام او بگذرد، او را در آتشی جاودانه وارد می‌کند؛ و برای او مجازات خوارکننده‌ای است.

آیه ۸۴: پس بکش در راه الله، و مومنان را بر این تشویق کن، تو پاسخگوی نیستی! باشد که الله از قدرت کافران جلوگیری کند، الله قدرتش بیشتر و مجازاتش درناکتر است.

سوره ۵، المائده،

آیه ۱۱۵: الله گفت: اگر بر آنچه که بر شما فرود آورده‌ام کافر شوید، شما را آن چنان عذاب دهم که احدی از جهانیان را چنان عذاب نکرده باشم.

هیچ اکراهی در دین نیست چون، از دیدگاه رسول الله، همه چیز در قرآن روشن بیان شده است.

نمونه‌ای از این گونه دروغ‌ها:

خمینی چند سال پس از آن که زورمند شد. می خواست همه‌ی دگر اندیشان، حتا کسانی که در شورش ۵۷ او را پشتیبانی کرده‌اند، کشتار کند. از این روی او با خشم فراوان، با این مفهوم، می گوید: ملت انقلاب کرد و آنرا به ما سپرد، ما سستی کردیم، ما ضد انقلاب را آزاد گذاشتیم، ما به امت اسلام خیانت کردیم من از این ملت معذرت می‌خواهم. سپس چنین می گوید که امامان و پیامبران همه کشتار می کرده‌اند و از این که او در کشتار کوتاهی کرده است از امت مسلمان معذرت خواهی می کند.

هزاران بیگناه در پی آیند این "اعتراف به خیانت" و "معذرت خواهی" کشتار می‌شوند.

در جایی که خمینی در این اعتراف امر به کشتن دگر اندیشان می کند و به کردار بسیاری کشته می شوند. آیا ناجوانمردانه نیست؟ که کسی بگوید: خمینی به خیانت خود اعتراف کرد و از مردم معذرت خواست.

نمونه‌ای دیگر: در نخستین ماه‌ها پس از "شورش ۵۷" که کسانی از سرکوب شدگان هنوز در زندان بوده‌اند. طالقانی می گوید: در اسلام، زندان وجود ندارد، مجرم را قصاص می کنند یا "حد" می زنند.

"حد" یعنی زدن تازیانه، بریدن سر یا بریدن دست و پا، پرداخت دیه و سنگسار، خشونت‌هایی که ننگ بشریت هستند. آیا ستمکاری و دروغ نیست که کسی بگوید: در اسلام تا آن اندازه آزادی ست که طالقانی می گوید: در اسلام زندان وجود ندارد. کاربرد نیمه‌ی یک آیه برای فریب مردم و نجات اسلام است که منتظری ناجوانمردانه آن را به دروغ برگردانده است. باز او ادامه می دهد: << که مردم می‌توانند در کمال آزادی و بدون لکننت زبان و بدون هیچگونه ترس و وا همه‌ای درباره مسائل انتقاد و اظهار نظر نمایند.>>

در این سخن آشکارا دروغ می گوید "بدون ترس". آیا او قرآن را نخوانده است یا دانسته دروغ می گوید.

الله در همان آغاز به رسولش امر می کند: "برخیز و بترسان".

الله در سراسر قرآن پیوست مسلمانان و کافران را می ترساند. هنوز حکومت‌های اسلامی از کشتار بهاییان یا نوکیشان زرتشتی و مسیحی دست برداشته است که این آیت الله فراموش کرده باشد. ولی او با ویژگی‌ی یک آخوند نیرنگ و ازگون می زند، زیرا او می‌گوید: "درباره مسائل انتقاد و اظهار نظر کنند".

به زبان آدمی: یعنی احکام ننگینی مانند "جهاد و امر به معروف و نهی از منکر"، که از اوامر الهی هستند، نباید کسی در درستی-ی آنها شک داشته باشد. "مسائل یعنی" آدابی مانند غسل، جماع، طهارت، مطهرات و نجاسات هستند؛ که شاید کسی اجازه دارد به آنچه را مطهرات نامیده‌اند ایراد بگیرد.

از نکته‌ی پایانی سخن او بگویم که کسانی را ذوق زده کرده است. منتظری می گوید: در پخش این اعترافات نمایشی "قضاوت کردن در اسلام" به مسخره گرفته می شود. این مسخره بازی آن چنان است که بهتر بود:

شما شجاعت داشتید و می گفتید: "این حکومت نه جمهوری و نه اسلامی است"

او از این که پسماندگی-ی "محکمه و قضاء" اسلامی، که در جهان رسوا می شود، برآشفته نه از انسان ستیزی که در احکام اسلامی است.

البته این حکومت اسلامی نیست زیرا حکومتی اسلامی است که دستکم مانند حکومت "طالبان در افغانستان" باشد. اسلامی چنان حکومتی است که مردم ایران، با همه‌ی سرکوب و مغزشویی، آنرا نخواهند پذیرفت. اسلام هم که اوامر و احکام الهی است و با مفهوم جمهوری در تضاد هستند.

ولی این آیت الله که خود از بنیان‌گذاران ولایت فقیه است که، در زمان ولایت او، هزاران انسان را در محکمه‌ی اسلامی کشته‌اند. او اکنون از کسان همین حکومت می‌خواهد که "دست از انحراف بردارند" یعنی او جنایات کنونی را، که آشکار شده‌اند، یک انحراف می‌شمارد که به آسانی می‌توان انحراف برگرداند. او هرگز نمی‌گوید این حکومت باید سرنگون بشود زیرا "نه جمهوری و نه اسلامی" است. در هیچ یک از سخنان این آخوند دیده شده است که او از جانستانی و جان‌آزاری انسان اندکی آزرده شود بلکه همیشه او نگران است که این جنایات ماهیت اسلام را رسوا کنند.

خوب او یک آخوند ساده‌پنداری است که بیشتر ناخودآگاه دروغ‌های اسلامی را، که او باور دارد، بازگو می‌کند. اگر هم اسلام‌فروشی برای مردم‌فریبی از برابری، عدالت و حقوق بشر سخن می‌راند. او برابری، عدالت و حقوق بشر را در همین احکام پسمانده می‌داند و آنها را تنها و تنها برای مسلمانان درخواست دارد، نه برای نامسلمانان. کافر که در اسلام حقی ندارد.

(البته در سوره‌ی توبه، آیه ۲۹ آمده است:

بکشید کسانی را که به الله و احکام (...)) او ایمان ندارند، هم چنین آن دسته که خود اهل کتاب هستند ولی اسلام را نپذیرفته‌اند؛ مگر اینکه تعهد کنند که با خواری و خفت بدست خود جزیه بپردازند.)

۲ - حکایت :

برده‌پروری بر خرگاهی دهه داشت. او اندک پس‌آب گندیده‌ای را در "گل‌آبدان-هایی" به گزاف می‌فروخت. بر بلورین گل‌آبدان-ها نوشته بود: آب مقدس "علاج بینایی و چاره‌ی شنوایی". بازرگانی که بر او می‌گذشت؛ به حیرت برآشفته و گفت: ای زاهد چه می‌فروشی؟ این که گندش درآمده است. شیخ فرمود: ای مسکین، بردگان در همین گندزار پرورده شده‌اند و تقدس را از همین گندآب می‌شناسند.

به گندش پروراندند مسکین << >> به دوشش بار بنهادند سنگین
چو شد بیگانه با فرهنگ ایران << >> بنوشد زهر در جام بلورین

بازرگان، که سود خود را در حکمت زاهد می‌دید، زمین منت ببوسید و گفت:

از تعلق-ها نباید کاستن << >> عالمی دیگر نشاید خواستن

مردو آناهید

دریافت بازتاب از دیدگاه خوانندگان: MarduAnahid@yahoo.de

۱ - گفتار خامنه‌ای در کوی دانشگاه:

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به سخنان چند نفر از دانشجویان درباره لزوم برخورد و محاکمه مجرمان پشت پرده حوادث اخیر خاطر نشان کردند: در مسائلی با این درجه از اهمیت، نباید با حدس و گمان و براساس شایعه حرکت کرد.

ایشان، نظام اسلامی را محصول مجاهدتهای عظیم ملت ایران در ۳۰ سال اخیر خواندند و افزودند: همه مطمئن باشند که در مقابل جرم و جنایت هیچگونه اغماضی نخواهد شد اما در مسائلی به این اهمیت، دستگاه قضا باید براساس دلایل محکم قضاوت کند و حتی اگر برای بسیاری از شایعات، شواهد و قرینه‌هایی وجود داشته باشد این شواهد نمی‌تواند مبنای قضاوت قرار گیرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه تأکید کردند: کارهایی که نظام در سطح کلان انجام می‌دهد باید با ملاحظه همه مسائل و پرهیز از نگاه یک بعدی صورت گیرد و اگر از این زاویه به فعالیت‌های صورت گرفته در این زمینه و فعالیت‌های آینده نگاه شود، هر ذهن با انصافی قانع خواهد شد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به سخنان دانشجویان درباره لزوم پیگیری دستور رهبری در برخورد با حادثه کوی دانشگاه و مسئله کهریزک افزودند: در حوادث پس از انتخابات تخلفات و جنایاتی صورت گرفته است که بطور قطع با آنها برخورد خواهد شد. ایشان با تأکید بر لزوم پرهیز از کارهای صرفاً تبلیغاتی در موضوع برخورد با عاملان کوی دانشگاه و حوادث مشابه افزودند: کار تبلیغاتی لازم نیست اما از اولین روزها دستور اکید داده شد که ضمن مراقبت و دقت لازم با اینگونه مسائل برخورد قاطع شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطر نشان کردند: در حادثه کوی دانشگاه تخلفات بزرگی انجام شده که پرونده ویژه‌ای برای آن تشکیل شده تا مجرمان بدون توجه به وابستگی سازمانی، به مجازات برسند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تشکر و تقدیر از خدمات پلیس امنیت، پلیس انتظامی و بسیج خاطر نشان کردند: این خدمات بزرگ نباید موجب رسیدگی نکردن به برخی جرایم شود و اگر کسی با وابستگی به هر کدام از این سازمانها، تخلف و جرمی مرتکب شده، باید کاملاً رسیدگی شود. ایشان با تأکید بر رسیدگی به آسیب دیدگان در مسئله کهریزک و همینطور بررسی موضوع معهود کسانی که در این مسئله جان باخته اند افزودند: البته اینگونه مسائل نباید با مسئله اصلی بعد از انتخابات خلط مبحث شود. رهبر انقلاب اسلامی در همین زمینه افزودند: عده‌ای، ظلم بزرگی را که پس از انتخابات به مردم و نظام اسلامی شد و هتک آبروی نظام در مقابل ملت‌ها را نادیده می‌گیرند و مسئله کهریزک یا کوی دانشگاه را قضیه اصلی قلمداد می‌کنند اما این نگاه، خود یک ظلم آشکار است. ایشان در تشریح مسئله اصلی پس از انتخابات افزودند: نظام اسلامی با پیشرفت‌های متعدد سال‌های اخیر، در مرحله‌ای عالی از امتیاز و آبروی منطقه‌ای و جهانی قرار داشت و مشارکت ۸۵ درصدی و پرشکوه ملت بر این موقعیت می‌افزود، اما ناگهان حرکتی برای نابود کردن این حادثه افتخارآمیز صورت گرفت که به اعتقاد من از قبل طراحی شده بود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: من، پیشقراولان حوادث اخیر را به دست نشاندگی بیگانگان از جمله امریکا و انگلیس متهم نمی‌کنم چرا که این موضوع برای من ثابت نشده است اما تردیدی وجود ندارد که این جریان، چه مسئولان و پیشقراولان آن بدانند و چه ندانند جریانی حساب شده بود. البته طراحان این جریان یقین نداشتند که طرح آنها اجرایی می‌شود اما تحرکات بعضی افراد پس از انتخابات، آنها را امیدوار کرد به گونه‌ای که طراحان اصلی با گسیل همه وسایل و امکانات رسانه‌ای و الکترونیکی خود به میدان، حضور خود و عواملشان را در صحنه تشدید کردند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به شکست این توطئه تأکید کردند: خوشبختانه دشمنان همچنان مسائل ایران را بد می‌فهمند و ملت ایران را نمی‌شناسند به همین علت در حوادث اخیر نیز از ملت تو دهنی و سیلی خوردند اما هنوز ناامید نیستند و ماجرا را رها نمی‌کنند.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر لزوم هوشیاری مردم بویژه همه دانشجویانی که به اسلام، ایران و آینده خود علاقه‌مندند، افزودند: طراحان حوادث اخیر،

صحنه گردانانی دارند و صحنه‌گردانان دیگری نیز پیدا می‌کنند البته همه تحرکات و تحریکات آنان به فضل الهی، شکست خواهد خورد اما هوشیاری و بیداری آحاد مردم بویژه جوانان ضرر و زیان اینگونه تحرکات و جریانها را کاهش می‌دهد.

ایشان درباره حوادث پس از انتخابات همچنین خاطر نشان کردند: اصل حوادث خیلی خلاف انتظار نبود اما اشخاصی که وارد صحنه شدند خلاف انتظار ما بود.

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دیگری از سخنانشان درباره حمایت‌های رهبری از دولت و رئیس جمهور خاطر نشان کردند: دولت کنونی و رئیس جمهور محترم، مثل همه انسانها، دارای نقاط ضعف و قوت هستند و بنده فقط از نقاط قوت حمایت می‌کنم و هرکس دیگری نیز این گرایش، تحرک و جدیت را از خود نشان دهد مورد حمایت من خواهد بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در همین زمینه خاطر نشان کردند: تأکید بر نقاط ضعف، به سیاه نمایی و ناامیدی می‌انجامد ضمن اینکه موضع‌گیری علنی در مقابل نقاط ضعف، بسیاری از مواقع به حل مشکل کمکی نمی‌کند بنابراین و براساس منطق، فقط هنگامی که چاره دیگری نباشد باید در مقابل نقاط ضعف، موضع علنی گرفت.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به جنگ نرم عظیمی که دشمنان در مقابل ملت ایران و نظام اسلامی به راه انداخته اند، نخبگان فکری از جمله دانشجویان را به هوشیاری و فعالیت مبتنی بر فکر و تدبیر در این عرصه فراخواندند و افزودند: دانشجویان عزیز، افسران جوان ایران و

جمهوری اسلامی در جبهه مقابله با جنگ نرم دشمنان و جریان شیطان‌ی متکی بر زور و تزویر و پول هستند.

ایشان در تبیین علت دشمنی سلطه‌گران با جمهوری اسلامی، به موقعیت استراتژیک امت اسلامی در مناطق حساس جهان اشاره کردند و افزودند: در این منطقه بسیار حساس، جمهوری اسلامی با قدرت روز افزون خود در مقابل سلطه‌گران جهانی ایستاده است و طبقاً شبکه بزرگ صهیونیستی، کمپانیهای جهانی و مراکز پولی که عرصه سیاسی امریکا و اروپا را نیز هدایت و اداره می‌کنند قدرت عظیم ملت ایران و جمهوری اسلامی را دشمن می‌پندارند و با آن مقابله می‌کنند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به تداوم خصومت زورگویان جهانی با نظام اسلامی خاطر نشان کردند: این توطئه‌ها تنها هنگامی پایان خواهد یافت که ایران به همت جوانانش از لحاظ علمی، اقتصادی و امنیتی به نقطه‌ای برسد که امکان آسیب رساندن به آن، نزدیک به صفر شود و به همین علت است که بنده همیشه دانشگاهها را به تولید علم و نهضت نرم افزاری فرامی‌خوانم چرا که برتری علمی را یک رکن امنیت بلندمدت کشور می‌دانم.

رهبر انقلاب اسلامی با هشدار به دانشجویان و دانشگاهیان درباره طرح دشمنان برای ایجاد اختلال در کار علمی دانشگاهها افزودند: همه مراقبت کنند در این مسائل سیاسی کوچک و حقیر، کار علمی دانشگاهها و کلاسها و مراکز تحقیقاتی دچار آسیب نشود و هدف آشکار و مشخص دشمن برای اینکه حداقل مدتی دانشگاهها را به تعطیلی و تشنج و اختلال بکشاند محقق نگردد.

رهبر انقلاب اسلامی، نگاه امیدوارانه و خوشبینانه به آینده را باعث تقویت جبهه ملت ایران در مقابل جنگ نرم دشمنان دانستند و افزودند: این خوشبینی، متکی بر تحلیل واقع بینانه است و جوانان عزیز دانشجو باید ضمن پرهیز از افراط و تفریط در برخورد با مسائل مختلف و با تکیه بر فکر و تدبیر و تأمل، به وظایف سنگین خود در پیشرفت علمی کشور و دفاع از ایران عزیز در مقابل جنگ نرم بیگانگان طمع ورز ادامه دهند. در پایان این دیدار نماز مغرب و عشا به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه شد و دانشجویان، روزه خود را همراه با رهبر انقلاب اسلامی افطار کردند.

ایران ، سال پانزدهم - شماره ۴۲۹۶ ، پنجشنبه ۵ شهریورماه ۱۳۸۸

۲ - گفتاری از آیت الله منتظری در پاسخ باورمندانش:

اینجانب بارها تذکرات و پیشنهادهایی را برای بیرون رفتن از این بحران ویرانگر ارائه نموده ام ، ولی ظاهراً حضرات برای رسیدن به مقاصد دنیوی خویش چنان چشم و گوش و دل بر حقایق بسته اند که نه میبینند و نه میشوند، ولی از آنجا که هنوز مبارزات با رژیم گذشته در اذهان بسیاری از افراد زنده است و در میان سردمداران حکومتی بعضاً کسانی هستند که خود طعم شکنجه و زندان و... را چشیده اند اینجانب هنوز نا امید نیستم و امیدوارم تا کاملاً دیر نشده مسئولین امر به خود آیند و بیش از این وجهه نظام جمهوری اسلامی را در بین توده های زجر کشیده و سیلی خورده ایران و در سطح جهانی خدشه دار نکنند و موجب سقوط خود و نظام نگردند. دین اسلام ، دین کامل الهی است و در آن آزادی عقیده و بیان چنان روشن و واضح است که قرآن کریم در مورد اصل پذیرش دین می فرماید: (لا اکراه فی الدین) یعنی زور و اجباری در پذیرش دین نیست ؛ و باید پذیرفتن اصول دین با استدلال و برهان باشد. و سیره و روش رسول خدا(ص) و ائمه معصومین (ع) نیز این گونه بوده که مردم در کمال آزادی و بدون لکننت زبان و بدون هیچگونه ترس و واهمه ای درباره مسائل انتقاد و اظهار نظر نمایند. بزرگترین ستم و ظلم به اسلام عزیز رفتار مستبدانه با مردم تحت عنوان حکومت دینی و اسلامی است . امیدوارم مسئولین امر از این راه انحرافی که در پیش گرفته اند دست برداشته و حقوق از دست رفته مردم را استیفا نمایند، خسارات را جبران نموده و بی گناهان را بیش از این در زندان نگه ندارند، و با پایان دادن به سناریوهای نمایشی دادگاهها و پخش اعترافات آنچنانی بیش از این قضاء اسلامی را مسخره نکنند؛ و یا لاقابل شجاعت این را داشته باشند که اعلام کنند این حکومت نه جمهوری است و نه اسلامی...

برگرفته از : ایمیل تفسیر سبز